



گفتار شماره «۱۵»

قیام حسینی

مقایسه دو سخنرانی از حضرت آیت الله خامنه‌ای

با موضوع علت قیام امام حسین در سال‌های ۱۳۶۱ و ۱۳۶۳

یکی از سرفصل‌هایی که مقام معظم رهبری، با تسلطی مثال‌زدنی، موشکافانه و تحلیلی به آن می‌پردازند، تاریخ اسلام است. روایت‌گری ایشان از تاریخ اسلام، فقط این نیست که سانتی متر به سانتی متر باشد - که البته این هم هست - بلکه با چیدمانی جذاب و منسجم از وقایع، تحلیل‌هایی دقیق و کاربردی و متناسب با نیازهای روز ارائه می‌دهند. تبخیرایشان در تحلیل تاریخ اسلام به حدی است که فراتحلیلی تاریخی از تمام دوران زندگی ائمه با عنوان «انسان ۲۵۰ ساله» ارائه می‌دهند. در کنار نگاه کل‌گرایی که ایشان به زندگی ائمه دارند، در اجزای این بنای عظیم نیز صاحب نظریات و تحلیل‌هایی ناب و دقیق هستند.

بررسی عظیم‌ترین قیام تاریخ، یعنی قیام حضرت اباعبدالله علیه السلام، یکی از موضوعاتی است که اسلام‌شناسان متعددی به زوایای مختلف آن پرداخته‌اند. در این میان «علت قیام امام حسین» بحثی است که به‌خصوص در دوران معاصر، ذهن اندیشمندان بزرگی را به خود مشغول کرده و نظریات مختلفی در این باب ارائه شده است.

مقام معظم رهبری در جایی می‌فرمایند که در حرکت امام حسین، می‌توان بیش از صد درس مهم، که هر کدام، سرفصلی برای تربیت یک جامعه است، برشمرد. ایشان به سرفصل‌های مهمی از این درس‌ها ورود

کرده‌اند: پیروزی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت عاشورا، شرایط جامعه در آن زمان، عبرت‌های عاشورا، تقسیم سه گانه ظالم، مظلوم و منظم، پیام‌های عاشورا، ابعاد مصائب حسینی، نقش عوام و خواص، مقایسه قیام حسینی و انقلاب خمینی، جلوه‌های عرفانی و معنوی عاشورا، ارزش شهدای کربلا، راز ماندگاری عاشورا از جمله عناوینی از سخنرانی‌های معظم‌له هستند که قابلیت ارائه در قالب یک گفتار را دارند. ایشان می‌فرمایند همه آن درس‌ها به کنار، یک درس اصلی وجود دارد که همه آنها حاشیه است و آن متن: «چرا قیام کرد؟».

از بین سخنرانی‌های موجود از معظم‌له، اولین موردی که به‌طور مبسوط، به بحث علت قیام امام حسین می‌پردازند، به سال ۱۳۶۱ برمی‌گردد. البته در همان سخنرانی می‌فرمایند که ما همین بحث‌ها را قبل از انقلاب، در دوران اختناق، به‌صورت داستان و مثل بیان می‌کردیم.

تحلیلی که ایشان از علت قیام امام حسین ارائه می‌دهند، آن قدر شیوا، مستدل، منطقی، دقیق و کاربردی است که قرار شد گفتار پنجم از سلسله گفتارهای صهبا، با عنوان «قیام حسینی»، به این موضوع اختصاص یابد. ایشان علاوه بر آن سخنرانی، در سال‌های ۱۳۶۳ و ۱۳۷۴ نیز دو سخنرانی مهم در این موضوع داشته‌اند. سخنرانی سال ۱۳۷۴ در کتاب «انسان ۲۵۰ ساله» آمده است. لذا تصمیم گرفته شد بر اساس آن دو

سخنرانی دیگر، کاری تولید شود. سخنرانی ۱۳۶۱ در توضیح و تحلیل قوی تر است و دیگری در مثال‌ها و روایات تاریخی.

کلیت دو سخنرانی یکی است؛ ولی مطالب، کمتر تکرار شده. می‌توان دو سخنرانی را جداگانه خواند. اما با توجه به نظم سیر کلی بحث در هر دو سخنرانی، به ذهن رسید که با ترکیب این دو، یک سخنرانی یک پارچه ساخته شود؛ به نحوی که به فراخور بحث، از یک سخنرانی به سخنرانی دیگر برویم و ادامه صحبت را آنجا دنبال کنیم.

برای این سبک، لفظ «مقارنه» اختیار شد. «مقارنه» در کتب لغت عربی معانی مختلفی دارد. در کتاب «منتهی الأرب فی لغة العرب» ذیل معنای آن آمده: «دوتا خرما را روی هم گذاشتن و میل کردن». در روایتی داریم که خرما از مبارک‌ترین نعمات الهی، هم خورشت است و هم برنج. لذا همین لفظ برای ساختن این گفتار استخدام شد.^۱

سخنرانی اول در تاریخ ۱۳۶۱/۴/۸ با رنگ خاکستری و سخنرانی دوم در تاریخ ۱۳۶۳/۷/۲۰ با رنگ مشکی درج شده است. به جز ملزومات تبدیل گفتار محاوره‌ای به متن رسمی - که البته در بیانات معظم‌له بسیار جزئی است - تغییری به متون داده نشده و عین بیانات چاپ شده است. به منظور حفظ ارتباط محتوایی مطالب کتاب، در مواردی

۱. گفتار «۳» از گفتارهای صهبا، با عنوان «جریان روشنفکری اسلامی در ایران» با همین سبک کار شده.

بسیار محدود، مطالبی که ارتباط مستقیم با سیر بحث ندارند، یا به علت مقارنه دو سخنرانی، تکراری هستند، حذف شده‌اند که با علامت (..) مشخص شده است.

اگر عبارت «علیه السلام» یا شبیه آن، در سخنرانی موجود باشد، عیناً و به صورت بالانویس آورده شده. اگر نام معصوم بدون این عبارات و القابی نظیر «حضرت» و «امام» آمده، (ع) یا شبیه آن استفاده شده است.

تقریباً هر جا معظم له به بحث علت قیام امام حسین می‌پردازند، اشاره‌ای هم به انقلاب اسلامی دارند؛ اینکه «ملت ما کاری امام حسینی کرد و به دنبال حسین زمانش، امام عزیز و بزرگوار، حرکت کرد»؛ اینکه «با پیروزی انقلاب، آرزوی هزار و چند صد ساله مسلمانان مؤمن و مخلص در مقابل نظام‌های فاسد به تحقق پیوست»؛ و اینکه «ما هنوز مبارزه را تمام شده نمی‌دانیم. ما هنوز حرکت حسینی را در جامعه خودمان پایان یافته تلقی نمی‌کنیم. ما هنوز در راه کربلا و عاشورا داریم حرکت می‌کنیم». پس اکنون نیز آقا و سپه سالار کیان اسلامی ایران، یارانی باوفا، صدیق، مخلص، جان بر کف، مطیع، و در یک کلام عاشورایی می‌خواهند، تا در مقابل یزیدیان زمانه بایستند و حرکتی را که برای احیای دوباره اسلام و برقراری نظام اتم اسلامی آغاز شده، به آن سرانجام موعود ملحق کنند. ان شاء الله.